



حجة الاسلام والمسلمین  
موسوی تبریزی  
دادستان کل انقلاب اسلامی



# قوانین کفر در اسلام

## مخارِب

اشاره:

قبل از ورود به بررسی دومین عنوان یعنی "مخارب" لازم بود از مقدماتی بحث شود. اول: حکمت اجرای جسد و دو تعزیرات و کیفرهای اسلامی و منافع آن برای جامعه مسلمین. دوم: تعریف حد و تعزیر. سوم: وجود کیفر برای تمام جرائم و گناهان اعم از کبیره و صغیره در شرع مقدس اسلام

چهارم: ارتکاب گناهان کبیره اعم از آن که فعل حرام و یا ترک واجب باشد در صورتی که بیش از دو بار تکرار شود و بعد از هر دفعه ارتکاب به مجازات شرعی رسیده باشد به اعدام محکوم می شود. پنجم: یکی از شرایط اجرای حدود بلوغ و رشد گسائی است که مرتکب جرم شده اند.

ششم

یکی از اشکالاتی که دشمنان انقلاب همواره برای لکه دار ساختن چهره منور جمهوری اسلامی در رسانه های گروهی و بلندگوهای امپریالیستی روی آن تکیه کرده و جنجال می آفرینند، اعدام کردن بچه ها و زنهای حامله در جمهوری اسلامی است. ما نه بخاطر پاسخ بآنان که آنها آتقدر با اسلام دشمن و کینه دارند که اکثر در ایران اعدام و یا زندانی اصلا وجود نداشته باشد باز برای سرکوبی جمهوری -

اسلامی و سلطه پیدا کردن خودشان از هیچ تهمت و افترائی فروگذار نخواهند بود و مسلمین را رها نخواهند ساخت، لکن برای روشن شدن اذهان برادران و خواهران مسلمان و غیر مسلمان بیطرف و مستقل و آزاد که احبانا از احکام مقدس اسلام اطلاع کافی ندارند حکم بچه های نابالغ را در شماره قبل متذکر شدیم و اینکه به حکم زنهای حامله بچه دار که فرزندان شان شیر - خواره هستند از نظر اسلام می برداریم و با توجه باینکه دادگاههای انقلاب اسلامی بر اساس احکام اسلام حکم خود را صادر

میکنند، دفع این گونه تهمت‌ها بسیار روشن و مبرهن خواهد بود. شیخ طوسی (ره) در کتاب حدود "نهایه" میفرماید: "وَالْمَرْأَةُ إِذَا زَنَتْ وَ هِيَ حَامِلَةٌ لَمْ يَقْمَ عَلَيْهَا حَدٌّ: لِأَلِ الرَّجْمِ وَلَا الْجَلْدَ حَتَّى تَضَعَ مَا فِي بَطْنِهَا وَ تَخْرُجَ مِنْ نَفْسِهَا وَ تَرْضَعَ وَلَدَهَا فَإِذَا فَعَلَتْ ذَلِكَ أَقِيمَ عَلَيْهَا الْحَدُّ: رَجْمًا كَانَ أَوْ جَلْدًا" میفرماید اگر زنی مرتکب عمل زنا بشود در حالی که حامله است بر او حد اجرا نمیگردد، نه سنگسار میشود و نه شلاق بر او میزنند تا هنگامی که وضع حمل کند و پس از گذشت

مدرسه عالی علمیه در تبریز  
کتابخانه عمومی تبریز

مدت نفاس که ده روز است و زمانی که بچه شیر میخورد، و پس از بی نیاز شدن بچه از مادر حد را بر او جاری میکنند.

صاحب جواهر در کتاب حدود جواهر میفرماید: "وَلَا يُقَامُ الْحَدُّ فَضْلًا عَنِ الْقَضَاءِ وَلَوْ جَلَدًا كَمَا صَرَحَ بِهِ الْفَاضِلُ وَغَيْرُهُ عَلَى الْحَامِلِ وَلَوْ مِنْ زِنَا حَتَّى تَضَعَ وَلَدَهَا وَتَخْرُجَ مِنْ نَفْسِهَا بِمَا خَلَّافَ أَجْدُهُ نَحْوًا وَفَتَوَى بِلَ وَلا اشْتِكَاً مَعَ قَرْنِ حَسَوِي الضَّرِّ عَلَى وَلَدِهَا لَوْ جَلِدَتْ لِغَدَمِ السَّبِيلِ عَلَيْهِ إِذْ لَاتَزِدُ وَازِدَةً وَزَدَ أُخْرَى كَمَا صَرَحَ بِهِ فِي الضَّرِّ الْمَرْوِيِّ عَنِ إِبْرَاهِيمِ الْمُفِيدِ بِسَلِّ وَ حَتَّى تُرَضَّعَ الْوَلَدُ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ مَرْضِعَةٌ بِمَا خَلَّافَ أَجْدُهُ فِيهِ أَيضًا حَتَّى لَوْ كَانَ جَلَدًا يَحْتَسِي مِنْهُ الضَّرُّ بِرَضَاعِهَا لَهُ".

یعنی حدود الهی - اگرچه شلاق باشد در باره زن حامله اجرا نمیشود تا چه رسد به قصاص، اگر چه از زنا حامله شده باشد تا هنگامیکه وضع حمل کند و از نفاس خارج شود. این مطلب در بیان فقهاء اتفاق است و من قول خلاف این را نیافتیم. سپس میفرماید: بلکه هیچ شبهه‌ای نیست که در صورتی که مادری اگر شلاق بخورد به بجهاش ضرر میرسد نباید حدود را اجرا کرد، چرا که پروردگار میفرماید: هیچ کس بعلمت گناه دیگری مجازات نمیشود. و در اینجا بجه بی گناه است و بخاطر گناه مادر نباید به فرزند او آسیبی برسد. و اگر وضع حمل کند ولی به بجهاش شیر بدهد و شلاق خوردن موجب کم شدن یا قطع شیر بشود حتما باید از اجرا حد خودداری کرد.

حضرت امام امت در کتاب حدود تحرير الوسيله میفرماید: مساله ۸ "لَا يُقَامُ الْحَدُّ رَجْمًا وَلَا جَلْدًا عَلَى الْحَامِلِ وَلَا تَوَكَّنَ حَفْلُهُ مِنَ الزِّنَا حَتَّى تَضَعَ حَمْلَهَا وَتَخْرُجَ

مِنْ نَفْسِهَا إِنْ خِيفَ فِي الْجَلْدِ الضَّرُّ عَلَى وَلَدِهَا وَ حَتَّى تُرَضَّعَ وَلَدَهَا إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ مَرْضِعَةٌ وَلَا تَوَكَّنَ جَلْدًا إِنْ خِيفَ الْأَضْرَارُ بِرَضَاعِهَا وَلَوْ وَجَدَ لَهُ كَافِلٌ يَجِبُ عَلَيْهَا الْحَدُّ مَعَ عَدَمِ الْخَوْفِ عَلَيْهِ"

جدوم صفحه ۵۹۵  
یعنی حدود الهی نه شلاق و نه سنگسار کردن و نه دیگر حدود مانند کشتن و اعدام بر زن حامله اجرا نمیشود اگر چه بجه خود را از طریق نامشروع ببار آورد و باید صبر کرد تا روزی که وضع حمل کند و از نفاس خارج بشود و بجه از شیر مادر بی نیاز گردد در صورتی که زن دیگری متکفل شیر دادن به او نباشد و اگر در اجرای شلاق بسم آن باشد که شیر مادر کمتر بشود و با قطع گردد نباید شلاق به او زد. مگر آنکه کسی متکفل شیر دادن به او باشد که در آن صورت اگر برای بجه ضرری نباشد حد را باید جاری کرد.

همانطور که توجه کردید در میان فقهاء بزرگ اسلام از قدما و متأخرین هیچ کس نداریم که معتقد باشد زن حامله را میشود اعدام کرد و یا شلاق زد. و حرام بودن این مطلب یکی از مملعات فقه شیعیه و برادران اهل تسنن است. از برادران اهل تسنن به یک نقل کفایت می‌کنیم:

در جلد پنجم: الفقه علی القضاة ج ۱ الاربعه جزائری، که یکی از علمای اهل تسنن است و کتاب خودتین را بر اساس تمامی مذاهب چهارگانه اهل تسنن نوشته است درص ۶۲ چنین میگوید:

"اتَّفَقَ الْفُقَهَاءُ عَلَى أَنَّ الْمَرْأَةَ لَا تُجَلَّدُ فِي خَالَ الْحَمْلِ بَلْ تَوْجَرُ حَتَّى تَضَعَ الْجَنِينَ وَ يَزُولُ الْمَوْلَادُ وَ تَبْرَأُ مِنَ التَّنَاقُصِ حِفْظًا لِلْجَنِينِ وَ الْمَرْأَةَ لِئَلَّا يَهْلِكَ بِاجْتِمَاعِ الْجَلْدِ وَ الْمَوْلَادَةِ وَ مَرَضِ التَّنَاقُصِ لِمَارْوِيِّ عَنْ الْأَمَامِ كَرِيمِ اللَّهِ وَجْهَهُ أَنَّهُ خَطَبَ الْمُسْلِمِينَ فَقَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ أَقِيمُوا عَلَى أَرْقَاتِكُمْ الْحَدَّ مِنْ أَحْسَنِ مَنَهُمْ وَ مِنْ لَمْ يَحْصُنْ وَ رَوَى الْخَمْسَةَ غَيْرَ الْبُخَارِيِّ عَنْ-

عمران بن حصين رضى الله عنه: ان امرأة من جهنم اتت رسول الله صلى الله عليه وسلم وهي حبلتي من الزنا فقالت يا نبي الله أصبت حدا فأقمه علي فدعا نبي الله (ص) وليها فقال: أحسن اليها فإذا وضعت فأتيني بها ففعل فأمره نبي الله (ص) فشكت عليها شيابها ثم أمر بها فرجمت ثم صلى عليها فقال عمر: تصلي عليها ينال نبي الله وقد زنت؟ فقال: لقد تابت توبة لو قسمت بين سبعين من أهل المدينة لوجعتهم وهل وجدت توبة أفضل من أن جاءت ينقها لله تعالى، فيؤخذ من - الحديث إقامة الحد على السيد والأمة من أن مخصنا أو غير مخصن كما يؤخذ من - الحديث تأخير الحد عن النساء حتى تصح ويتم نفاسها وترجع طفلها حتى يستكنن عنهارحمة بالجنين وهذا من سنن الإسلام.

یعنی: فقهاء اهل تسنن اتفاق دارند بر اینکه زن حامله را از نظر اسلام شلاق نمی‌زنند تا وقتیکه وضع حمل کند و از نفاس خارج بشود چرا که حفظ جان بجه و مادر لازم است و اگر درد حاملگی و درد و ناراحتی وضع حمل و دوران نفاس با درد اجرای حد توأم باشد، احتمال هلاکت و از بین رفتن هر دو است و لازم است که هر دو را حفظ کرد، و از امام علی (ع) نقل شده است که در برابر مردم در یکی از خطبه‌ها فرمودند: ای مردم! بر بردگان خود نیز در صورتی که مرتکب جرمی میشوند و عمل زنا را انجام میدهند حد جاری کنید صاحب کتب صحاح شگانه اهل تسنن غیر از بخاری از عمران بن حصین نقل میکنند که روزی از طایفه جهنم‌زنی که حامله بود و مرتکب زنا شده حضور رسول الله آمد و اظهار کرد که با رسول الله مرتکب عملی که موجب حد است شدم، در باره من حد الهی را اجرا کن. رسول الله ولی آن زن را خواست و فرمود: این زن را با نیکی حفظ کن و هنگامی که وضع حمل کرد پیش من بیاور، رفتند و پسر از

آنکه وضع حمل کرد او را پیش رسول الله آورد. حضرت دستور داد لباسش را بر روی او انداختند و محکم بستند سپس دستور داد سنگسارش کردند و پس از فوتش خود رسول الله (ص) بر او نماز خواند. عمر در آنجا حاضر بود با تعجب پرسید آیا بر زنی که زنا کرده است نماز میخوانی؟ فرمود: او توبه‌ای کرده (که آنقدر محکم و واقعی است) اگر در میان هفتاد نفر از اهل مدینه تقسیم بشود آنها را نجات میدهد و آیا توبه‌ای را بهتر از این یافتی که شخصی خودش را در برابر خداوند تسلیم کند (نظرشان به این است که خودش آمده و اعتراف کرده و درخواست نموده که مجازات شود و در برابر حدود و کیفر الهی باکمال میل تسلیم شده است و قهرا اینچنین توبه پاک کننده است) پس صاحب کتاب مذکور می‌گوید: از این حدیث چند مطلب استفاده میشود یکی اینکه بردگان اگر زنا کنند خواه محصنه باشند یا غیر محصنه باید مجازات شوند. دوم اینکه اگر زن حامله مرتکب زنا شد باید مهلت داد تا وضع حمل بنماید و از دوران نفاس فارغ شود و بچه خود را شیر بدهد تا اینکه بچه از مادر بی‌نیاز شود و این حکم از جهت رحمت پروردگار برای جنین است و بر آسان بودن احکام اسلام و مطابق بودن آن با مصلحت انسان دلالت میکند تا اینجا با نقل اقوال روشن شد که اجماع فقها مسلمین بر اینست که زن حامله را نباید اعدام کرد و یا شلاق زد اگر چه شرعاً مستحق آنها باشد و تا بی‌نیاز شدن بچه از تربیت مادر باید صبر کرد و اما ادله مسئله علاوه بر اجماع فوق الذکر دو چیز است: ۱- آیه شریفه *وَالْأَسْرَىٰ وَآزْوَٰرُهُمْ ذُرِّئٌ خَيْرٌ* (۱) هیچ فردی بجهت جرم دیگران کیفر و مجازات نمیشود. روشن است که اگر زن حامله یا شیرده وقتی اعدام شود یا شلاق بخورد تنها او نیست که کیفر می‌بیند و صدمات مجازات را تحمل میکند بلکه به جنین و با جدای که شیر می‌خورد و به تربیت مادر نیاز دارد شدیداً لطمه

می‌خورد در حالی که هیچ گناهی را انجام نداده است و طبق آیه شریفه کسیکه مجرم نیست نباید کیفر بشود. و روایات اهل بیت عصمت علیهم السلام نیز بهمین مطلب تصریح کرده‌اند.

۲- روایات که بسیار است و ما به نقل چند تا از آنها که از نظر سند و ظهور قابل استناد است کفایت میکنیم:

اول: مرحوم مجلسی در روضه المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه ج ۱۰ ص ۳۸- می‌فرماید: *"و روی الشیخ فی الموثق عن عمار الساباطی قال: سألت أبا عبد الله علیه السلام عن مُحْصَنَةٍ زَنَتْ وَ هِيَ حَمْلِي قَالَ: تُقَرُّ حَتَّى تَضَعَ مَا فِي بَطْنِهَا وَ تُرَضَّعُ وَلَدَهَا ثم ترجم "شیخ صدوق (ره) در کتاب - من لایحضره الفقیه در خبر موثق از عمار ساباطی نقل میکند که عمار میگوید از امام صادق علیه السلام سؤال کردم در باره زن حامله‌ای که مرتکب زنا یا محصنه گشته است فرمودند: باید صبر کرد تا اینکه بچه را بدنیا بیاورد و او را شیر دهد سپس سنگسار میشود.*

دوم: روایت ۲۳ جلد دهم، تهذیب - باب حدود زنا: روایت مفصل است ما نقل بمعنی میکنیم و در جایی که لازم باشد معین عبارت امام را نقل میکنیم. و سند روایت تا حدی صحیح است میثم تمار رضوان الله تعالی علیه نقل میکند که روزی یک زن حامله که وضع حمل او نزدیک بود حضور امیرالمؤمنین علیه السلام مشرف شد و گفت با امیرالمؤمنین مرتکب زنا گشته‌ام

مرا تطهیر کن. خداوند تو را تطهیر کند. چرا که عذاب دنیا به مراتب از عذاب آخرت که نامحدود و لاینقطع هست بهتر است. حضرت فرمود: از چه چیز تو را تطهیر کنیم؟ گفت برای اینکه زنا کرده‌ام. فرمودند: آیا شوهر داری؟ گفت بلی. فرمودند: هنگام ارتکاب عمل قبیح شوهرت در مسافرت و غایب بود یا در محل زندگی تو حاضر بود؟ گفت: حاضر بود. فرمودند: برو و پس از وضع حمل پیش من بیا تا تطهیرت کنم هنگامی که آن زن دور گشت بطوری که دیگر صدای امیرالمؤمنین را نمی‌شنید حضرت عرض کرد: پروردگارا خودت میدانستی که این شهادت است (یعنی اعتراف به زنا چهار مرتبه حضور حاکم شرع در حکم شهادت است که زنا را پیش حاکم ثابت میکند و باید حکم داد) پس از مدتی دوباره حضور امام آمد و گفت: من وضع حمل نمودم مرا تطهیر کن. حضرت طوری بر خورد کرد که گویا نمیداند و فرمود از چه چیز تو را تطهیر کنیم؟ گفت: زنا کرده‌ام دوباره حضرت سئوالات قبلی را تکرار کردند و ایشان همچون بار گذشته پاسخ دادند سپس فرمودند: برو تا دو سال کامل بجهت را شیر بده و پس با رفت و پس از دو سال آمد اعتراف به زنا کرد و حضرت سئوالات را تکرار کردند و ایشان بهمان نحو پاسخ گفتند سپس فرمودند: برو بجهت را نگهدار تا آنقدر رشد پیدا کند که بتواند بخورد و بیاشامد و درک کند و از پشت بامی و یا در چاهی نیافتد و سپس با آن زن در حالی

## حدود الهی نه شلاق و نه سنگسار کردن و نه دیگر حدود

### مانند اعدام بر زن حامله اجرا نمیشود اگر چه بچه

### خود را از طریق نامشروع بدست آورد.

که شدیداً ناراحت بود و گریه میکرد برگشت و رفت و در نیمه راه عمرو بن حریت مخزومی یکی از اصحاب امیرالمؤمنین (ع) اورادید و گفت چرا گریه میکنی؟ گفت برای اینکه پیش امیرالمؤمنین رفتم تا مرا تظہیر و کبیر کنند فرمودند برو و بچه را نگفل و نگهداری کن و پس از رشد بچه بیا و من میترسم تا آن موقع مرگ مرا دریا بدویدون اینکه در دنیا کبیر بشوم با خدای خود ملاقات کنم. عمرو بن حریت گفت برگرد و من پیش امیرالمؤمنین متعهد میشوم که

نمیخواهم و احکام تو را ضایع نمیکنم بلکه مطیع تو و پیرو روش پیامبر تو هستم. عمرو بن حریت مخزومی که برای کفالت و تعهد نگهداری بچه آنجا بود میگوید: نگاه کردم به چهره مبارک مولی امیرالمؤمنین دیدم که دوگونه مبارک علی آنچنان سرخ شد است که گویا آب انار بر آنها پاشیده شده است بپایشان عرض کردم یا امیرالمؤمنین من خیال میکردم کار خوبی انجام دادم و مورد رضایت و رغبت حضرتعالی است و گرنه نمیکردم و الآن که میبینم ناراحت

آخری است و اصلاً قابل قیاس نیست و طبق روایات خداوند گویا کمتر از آن است که کسی را که در دنیا کبیر دیدهاست در آخرت نیز مجازات کند.

۳- ایمان و تعهد این زن که او را وادار باعتراف و طلب کبیر میکند.

۴- استغاثه امیرالمؤمنین (ع) از ثبوت جرم.

و این مطلب باید مورد توجه حکام محترم شرع و برادران بازرگان و بازرجوی دادسراهای انقلاب قرار گیرد که پافشاری با ثبات جرمی نداشته باشند. زنا و لوایق

## تعطیل حدود و سهل انگاری در آن و حتی تاخیر آن گناه است و رسماً با خداوند محاربه و دشمنی کردن است.

بچه را نگهداری کنم با هم برگشتند و حضور امیرالمؤمنین رسیدند و جریان را بازگو کردند و حضرت سئوالات اولی را تکرار کرد و ایشان پاسخ داد و اعتراف کرد حضرت دست با آسمان برداشت و عرض کرد:

«اللَّهُمَّ إِنَّهُ قَدْ نَبَتَ لَكَ عَلَيْهَا أَرْبَعُ شَهَادَاتٍ وَإِنَّكَ قَدْ قُلْتَ لِنَبِيِّكَ (ص) فِيمَا أَخْبَرْتَهُ مِنْ دَبِيحَةٍ يَا مُحَمَّدُ مَنْ عَطَلَ حَدًّا مِنْ حُدُودِي فَقَدْ عَانَدَنِي وَ طَلَبَ بِذَلِكَ مُضَادَّتِي اللَّهُمَّ وَإِنِّي غَيْرُ مُعْطِلٍ حُدُودِكَ وَلَا طَالِبٍ مُضَادَّتِكَ وَلَا مُضَيِّعٍ لِأَحْكَامِكَ بَلْ مَطِيعٌ لَكَ وَمُتَّبِعٌ سُنَّةَ نَبِيِّكَ»

یعنی پروردگارا با چهار بار اعتراف مسئله زنا ثابت شد و تو به رسول خودت و پیامبرت فرمودی که هر کس حدی از حدود مرا تعطیل کند، با من دشمنی کرده و دشمنی مرا بدینوسیله خواسته است و من حدود تو را معطل نمیکنم و دشمنی تو را

دشمنی نمیکنم. فرمودند: آیا پس از ثبوت گناه با چهار بار اعتراف و شهادت علیه خودش این حرفها را میزنی؟ هرگز. باید بهر نحوی شده است بچه را نگهداری کنی. سپس دستور دادند آن زن را با کیفیت خاصی سنگسار کردند که روایت مفصل است ولی محل اششهاد ما همین مقدار بود که نقل کردیم.

خوانندگان گرامی خوب است که به چند نکته در روایت توجه بیشتری بکنند:

۱- اینکه انسان وقتی به فساد خودش پی برد و فهمید که گناه او را آلوده و ناپاک کرده است و روح او را کسل و مریض نموده است و متوجه شد که باید علاج کرد با سانی و با آغوش باز داری روحی را قبول میکنند که کبیر اسلامی است.

۲- همانطور که در مقالات قبلی گفته شد: کبیر دنیوی به مراتب آسانتر از کبیر

و فسادهای اخلاقی از نظر اسلام مردود است و خود باعث رواج فحشا و منکر و ازبیس رفتن ایهت گناه در جامعه میشود.

۵- مورد بحث خودمان که چقدر اسلام برای نگهداری بچه در حالت جنین و در زمان شیرخوارگی و پس از آن تا موقع رشد اهمیت میدهد و سلامت بچه را میخواهد و کوردلان چه اتهامات واهی به اسلام و مسلمین میزنند.

۶- حرمت تعطیل حدود الهی پس از ثابت شدن گناه و اینکه تعطیل حدود و سهل انگاری در آن و حتی تاخیر آن گناه است و رسماً با خداوند محاربه و دشمنی کردن است. والسلام.

ادامه دارد